حادثه‌ها

مردی که در توچال گم شده بود در خارج پیدا شد

● مردی که عنوان می‌شد در منطقه توچال مفقود شده است، صبح جمعه از کشور خارج شده بود.

بـه گزارش فـارس، آخر هفته گذشـته بود که خانواده یـک فرد به هلال احمـر و امداد و نجات اعـلام می‌کنند که عضوی از خانـواده آنها پس از صعود به قله توچال به پایین بازنگشـته است. این فرد تا ایسـتگاه ۵ توچـال عکس‌ها و ویدئوهایی را هم از خود منتشـر و تاریخ پنجشنبه ۲۰ آبان را هم اعلام می‌کند، اما ماجرا چیزی نبوده که امدادگران تصـور می‌کردند. پس از اعلام مفقـودی تیم‌های امـدادی هلال احمـر، در گروه‌های مختلف سـه شـبانه‌روز برای یافتن این فـرد در ارتفاعات تهران بـه جسـت‌وجو می‌پردازند، اما روز گذشـته اعلام می‌شـود که همه‌چیز یک دروغ بـوده و فرد مورد نظر صبح جمعه از کشـور خارج شده است. دکتر حمید مسـاعدیان، مسـئول کارگروه امداد و نجات فدراسـیون کوهنوردی دراین‌باره بـه فارس گفت: اعلام مفقودی این فرد اصلا صحت نداشته و پس از پیگیری از نیروی انتظامی مشخص شد که او صبح جمعه از کشـور خارج شده است. وی در پاسخ به این سـؤال که آیا خانواده این فرد دانسته این اعلام مفقـودی را انجـام دادند یا ندانسـته، عنوان کرد: به نظرم می‌دانسـتند و نحوه بیان مفقودی طوری نبود که انگار فردی گم شـده باشد و خیلی راحت این موضوع را بیان کردنـد و هیچ‌گونه اضطراب و نگرانی در گفتارشـان وجود نداشت. ظاهرا این فرد بدهی هشـت‌میلیاردی هم داشته و باوجوداین، از کشور خارج شده است. مسـاعدیان در مورد اینکه آیا از این فرد و خانواده‌اش شکایتی صورت می‌گیرد یا خیر، گفت: هلال احمر چون پیگیر موضوع بوده، می‌تواند در مراجع قضائی شکایت کند.

کشف تریاک در کف اتاق خواب

● **شـرق:** رئیس پلیـس مبارزه با مـواد مخدر پایتخت از دسـتگیری یک قاچاقچی مواد مخدر در مخفیگاهش و کشـف هشـت‌کیلوو ۶۰۰ گرم تریاک در کف اتاق خواب خبر داد و گفت: متهم با حفـر کف اتاق خـواب مواد مخـدر را پنهان کرده بود. سـرهنگ عبدالوهاب حسـنوند اعلام کرد: درپی اقدامات اطلاعاتی و پلیسـی مأموران پایگاه ششـم پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ مشـخص شد یکی از سـوداگران حرفه‌ای مـواد مخـدر در منطقه کیانشـهر بـه توزیع و خرده‌فروشـی مواد مخـدر می‌پـردازد. وی در ادامه افـزود: به دنبال این موضـوع مأموران با رصد دقیـق فعالیت مجرمانه متهم، مخفیگاه و محـل فعالیت وی را در یک خانه مسـکونی در یکی از محلات کیانشهر شناسایی کردند و به این ترتیب شـمارش معکوس برای دسـتگیری این قاچاقچی سـابقه‌دار آغاز شد. این مقام انتظامی افزود: با تجمیع اطلاعات به‌دست‌آمده موضوع به مقام قضائی اطلاع داده و دسـتور بازداشت متهمان صادر شـد و در ادامـه مأموران پس از چندین شـبانه‌روز تعقیب و مراقبـت در نهایت موفق شدند وی را در مخفیگاهش دستگیر و در بررسی‌های بیشـتر از این مکان هشت‌کیلوو ۶۰۰ گرم تریاک که در داخـل یکی از اتاق‌های خواب حفر کرده بود، کشـف کنند. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران خاطرنشـان کرد: متهم پس از دستگیری به مقر پلیس منتقل و پس از انجام تحقیقات تکمیلی برای سـیر مراحل قانونی به مرجع قضائی معرفی شد.

ابهام ۳ ساله در پرونده مرگ نوجوان زندانی

شرق: پسـر نوجوانی که متهم است در کانون اصلاح و تربیت دوستش را به قتل رسانده، اتهامش را انکار کرد و مدعی شد مقتول به‌خاطر درگیری با فرد دیگری کشته شده است.

به گزارش خبرنگار ما، این نوجوان در دادگاه توضیح داد چون قبلا گفته بود سر مقتول به زمین برخورد کرده، دیگر به درگیری مقتول با افراد دیگر توجه نکردند و او را مقصر تشخیص دادند.

متهم مدعی شـد با قربانی درگیر شـده و سـر او ناخواسـته به زمین برخورد کرده اما این ضربه موجب مرگ او نشده و متوفی به‌خاطر درگیری با افرادی دیگر در کانون اصلاح و تربیت جان سـپرده اسـت. اردیبهشت سال ۹۷ به‌دنبال مرگ مشکوک پسـر ۱۸ ساله‌ای به نام علیرضا در کانون اصلاح‌وتربیت تحقیقات دراین‌باره آغاز شـد. ابتدا گفته می‌شد این پسر با مصرف قرص دسـت به خودکشـی زده اسـت؛ اما در بررسی‌های بعدی مشخص شد او ساعتی قبل از مرگ با یکی از هم‌بندی‌هایش به نام احمد درگیر شده بود. وقتی پزشکی قانونی علت فوت را اصابت جسم سخت به سـر قربانی اعلام کرد و فرضیه خودکشی کاملا منتفی شد، احمد به اتهام قتل عمدی بازداشت شد.

این نوجوان در بازجویی‌ها گفت: قبول دارم با علیرضا درگیر شـدم. من کمر او را گرفتم و در جریان کشمکش سرش ناخواسته به زمین برخورد کرد اما چند ساعت بعد او که از این درگیری عصبانی شده بود، سیستم روشنایی کانون را شکسـت. به‌همین‌خاطر تنبیه شد. بعد علیرضا گفت سرش درد می‌کنـد که او را به بهداری منتقل کردند و گفتند با مصرف قرص دسـت به خودکشـی زده است. من اتهام قتل عمدی را قبول ندارم و مقصر مرگ او نیستم.

با اظهارات پسـر نوجوان برای او به اتهام قتل شـبه‌عمد کیفرخواست صادر شـد و وی در شـعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. پدر مقتول در جلسـه دادگاه گفت: پسرم مشکل عصبی داشـت. آخرین‌بار با من تماس گرفت و گفت با چنـد نفر در کانون درگیر شـده و کتک خورده است. او از من خواسـت تا برایش لباس ببرم. وقتی با کانـون تماس گرفتم گفتند کلیه پسـرم درد گرفته و حالا حالش خوب است. به آنها گفتم اگر علیرضا پرخاشـگری کرده و حالش بد است، او را به امین‌آباد منتقل کنند؛ اما چند سـاعت بعد اطلاع دادند پسرم با خوردن قرص خودکشـی کرده اسـت. وقتی جسد پسـرم را تحویل گرفتم، پشت گوشش آثار ضرب‌دیدگی وجود داشت. من شک ندارم پسرم به قتل رسیده است. به‌همین‌خاطر برای متهم تقاضای اشد مجازات را دارم. من از افراد

دیگری که پسـرم را کتک زده‌اند نیز شاکی هستم. سپس مادر علیرضا در جایگاه ویژه ایسـتاد و گفت: وقتی که پسرم دو سـاله بود از همسرم جدا شـدم و کمتر او را دیدم. دو فرزند دیگرم در بهزیسـتی نگهداری می‌شدند که حالا سرپرستی آنها را بر عهده گرفته‌ام. من وضعیت مالی خوبی برای بزرگ‌کردن فرزندانم ندارم و به‌همین‌خاطر دیه می‌خواهم.

در ادامه احمد اتهام قتل را رد کرد و گفت: من پنج سـال قبل به‌خاطر حمل شش گرم هروئین بازداشت و به کانون اصلاح و تربیت منتقل شدم. آن روز سـر نظافت با علیرضا درگیر شدم. او سابقه درگیری داشت و وقتی دعوا میان ما بالا گرفت، پا و کمر او را گرفتم که سرش با زمین برخورد کرد. بعد از آن برای علیرضا درگیری دیگری پیش آمد. چند ساعت بعد او از درد شـکایت کرد که به بهداری منتقل شد. من اصلا اتهام قتل را قبول ندارم. چون در بهداری گفتند او با خوردن قرص خودکشی کرده است. او قبلا هم سابقه خودکشی و خودزنی داشت و احتمالا بعد از درگیری و کتک‌خوردن از دیگران قرص خورد.

سپس مشـاور کانون روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: علیرضا به اتهام سرقت در کانون اصلاح و تربیت بود. دوره محکومیت او رو به پایان بود و پدرش می‌توانست با یک برگه فیش حقوقی او را ترخیص کند که کوتاهی کرده بود. مـن لحظه درگیری را ندیده‌ام اما فیلم‌های دوربین مداربسـته موجود است. در پایان جلسه، قضات پرونده با طرح چهار ایراد پرونده را به دادسرا برگرداندند تا راز مرگ پسر جوان افشا شود.

قضات شـعبه هفتـم دادگاه کیفری یک اسـتان تهران خواسـتند تا فیلم‌های دوربین مداربسته کانون، مدارک پزشکی و سابقه بیماری قربانی و همچنین نظر پزشکی قانونی درباره علت تامه فوت مقتول بررسی شود. قضات اعلام کردند لازم اسـت مشخص شـود علت فوت ضربه به سر یا عفونت بوده اسـت و همچنین بازپرس پرونده درباره اینکه متهم که حالا بیش از ۱۸ سـال دارد در کانون اصلاح و تربیت نگهداری شود یا به زندان رجایی‌شهر منتقل شود تصمیم‌گیری کند و قرار منع تعقیب متهم به اتهام قتل عمد و قرار وی به اتهام قتل شبه‌عمد به اولیای دم ابلاغ شود.

بعد از رفع این نواقص و درحالی‌که سـه سـال از مرگ پسر نوجوان در کانون اصلاح و تربیت گذشـته بود، پرونده بار دیگر به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا به آن رسیدگی شود.

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست اشد مجازات را مطرح کردند.

سـپس متهم که از کانون اصلاح و تربیت به دادگاه منتقل شـده بود، روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: من افغان هستم، ولی در ایران متولد شدم و شناسنامه ایرانی دارم. من آن زمان ۱۶سال داشتم که به اتهام حمل مواد مخدر و سـرقت دوهزارو ۵۰۰ دلار بازداشت شدم. من و علیرضا هر دو در کانون بودیم که با هم درگیر شـدیم و من پایش را گرفتم و به زمین افتاد. او که عصبانی شده بود، شروع به پرخاشگری کرد و شیشه‌ها را شکست و به‌همین‌خاطر مأمـوران کانون او را گرفتند. این متهم گفت: من با علیرضا درگیر شـدم، ولی در مرگ او دخالتی نداشـتم. حرف‌های اشتباهی که در کانون زدم موجب شد به دردسر بیفتم و سه سال گرفتار شوم. وقتی شنیدم علیرضا جان سپرده، به دوستانم گفتم چند ساعت قبل من هم با او درگیر شـده بودم. این حرف به گوش مأموران کانون رسید و من بازداشت شدم. سـپس قاضی به آثار زخم و بریدگی‌های قدیمی روی سر و صورت متهم اشاره کرد و گفت این آثار چیست؟ متهم پاسخ داد: بارها در کانون عصبی شدم و خودزنی کردم.

قاضی گفـت: این موضوع نشـان می‌دهد عصبی هسـتی و احتمالا به‌خاطر عصبانیت قربانی را به زمین کوبیده‌ای. متهم جواب داد: باور کنید من در مرگ او دخالتی نداشتم. قبول دارم پا و کمرش را گرفتم و سرش به زمین خورد؛ اما ضربه آن‌قدر شدید نبود که موجب مرگش شود.

سپس وکیل متهم به دفاع پرداخت و گفت: پزشکی قانونی در گزارشی علت مرگ را اصابت جسـم سخت به سـر اعلام کرده است. اما صراحتا نگفتـه این ضربه ناشـی از برخورد سـر قربانی با زمین بـوده یا به‌خاطر ضربه‌هایی که دیگران به سر قربانی وارد کرده‌اند.

وی ادامـه داد: تحقیقات دربـاره این پرونده تکمیل نیسـت و به‌نظر می‌رسد لازم است تحقیق درباره این پرونده از سر گرفته شود.

نگاه

آزار دختر جوان توسط مرد رمال

سرگرد سـمانه مهربانی، کارشناس آموزشی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ: نگاهـم را به راهروی منتهی به اداره شـانزدهم پلیس آگاهی می‌دوزم؛ اداره‌ای که به شکایات افراد قربانی آزار، تهدید یا آتش‌افروزی رسیدگی می‌کند.

روی نیمکت کنار ورودی اداره، زنی جوان نشسته و به زمین خیره شده است. به آرامی به او نزدیک می‌شوم و کنارش روی نیمکت می‌نشینم. آن‌قدر غرق در افکار خود است که متوجه حضورم نمی‌شود.

سلام می‌کنم و متبسـم نگاهش می‌کنم. از صدای سلامم یکه‌ای می‌خورد و بعد با تعجب نگاهم می‌کند. توضیح می‌دهم برای ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی اتفاقی که برایش افتاده آنجا هستم و از او درخواست می‌کنم در صورت تمایل درباره شکایتش برایم حرف بزند.

پوزخندی می‌زند و می‌گوید: منظورتان این است که از حماقتم تعریف کنم؟ باشد بنویسید؛ بنویسید چطور با دست‌های خودم این بلا را به سرم آوردم.

۳۰سـاله هسـتم و مجرد و بعـد از گرفتن مدرک فوق‌لیسـانس در یک شرکت خصوصی مشغول به کار شدم. منزل ما در یکی از محلات مرفه‌نشین تهران است. یکی از تفریحات مورد علاقه من و دوسـتانم فال‌گیری بود. یعنی کافی بود کسـی آدرس و شماره یک فال‌گیر را به ما بدهد، بلافاصله با دوسـتانم قرار می‌گذاشتیم و برای گرفتن فال به آنجا مراجعه می‌کردیم. همیشـه به فال و رمالی علاقه‌مند بودم و دوسـت داشتم ببینم چطور یک رمال و دعانویس کارش را انجام می‌دهد.

چند روز پیش در پارک نشسته بودم که مردی به من نزدیک شد و گفت رمال است و چون احساس کرده من دچار مشکل هسـتم و نیاز به کمک دارم به سمت من آمده اسـت. با ذهنیتی که نسبت به این نوع داستان‌ها داشتم احسـاس کردم راسـتش را می‌گوید و بی‌دلیل نیست که بین این همه آدم به سمت من آمده است.

مرد گفت می‌تواند به مـن کمک کند ولی اینجا در خیابان محل مناسـبی برای این کار نیست. با توجه به اینکه مـادر و خواهرانم در خانه بودنـد، به نظرم آمد که مشـکلی پیش نمی‌آید او را با خودم به خانه ببرم. به‌همین‌دلیل از او خواسـتم به خانه ما بیاید. به خانه رفتیـم و او را به خانـواده‌ام معرفی کـردم. آن مرد با ابزاری که در اختیار داشت شروع کرد به بررسی شرایط ما و بین همه به من اشـاره کرد و گفت: تو همزاد داری و او اجـازه نمی‌دهد کـه ازدواج کنی یا در سـایر امور زندگی‌ات موفق باشـی ولی نگران نباش؛ من می‌توانم همـزادت که تو را تسـخیر کرده از بدنـت خارج کنم. آن‌قدر خوب نقش بازی کرد که همه ما حرف‌هایش را باور کرده بودیم. در ادامه خواست تا برای انجام کار به اتاق دیگری برویم چون این کار نباید در حضور دیگران انجام می‌شد. مادر و خواهرانم در پذیرایی نشستند و ما بـه اتاق من رفتیم و او به جای خارج‌کردن مثلا همزاد، مرا مورد اذیت و آزار قرار داد و بعد به‌سـرعت از آنجا رفت. من آن‌قدر شوکه بودم که تا چند روز بعد نتوانستم واقعیـت را به خانواده‌ام بگویم و وقتی به خودم آمدم برای شـکایت بـه آگاهی مراجعه کردیـم. یک تصویر احتمالی از چهره او طراحی شـد و مشخصاتش را به همکاران‌تان دادم اما واقعا بعید می‌دانم بتوان نشانی از او پیدا کرد.

می‌دانم الان دارید با خودتـان فکر می‌کنید چطور می‌شـود یک دختر تحصیل‌کـرده امروزی تـا این حد سـاده‌لوحانه برخورد کند و اجازه بدهد کسـی با ابزار خرافات او را اغفال کند؛ امـا من اصلا به ذهنم خطور نمی‌کرد یک انسان تا این حد می‌تواند فریبکار باشد که برای رسیدن به نیات شـوم خود این قصه‌ها را سر هم کند. من آن مرد غریبه را به پشـتوانه حضور خانواده‌ام بـه خانه بـردم و این بلا به سـرم آمـد. در تعجبم از خانم‌هایی که به‌تنهایی به منزل رمالان و دعانویسـان مراجعه می‌کنند و خود را در معرض هرگونه آسیب و سوءاستفاده مالی یا فیزیکی قرار می‌دهند.

نظریه کارشناس

- اعتقاد به خرافات و داستان‌هایی چون دعانویسی و رمالـی یکی از آفت‌های جامعه ماسـت که با وجود ارتقای سـطح تحصیلات و آگاهی افـراد جامعه هنوز آسـیب‌های ناشـی از آن دامن‌گیـر بسـیاری از افراد خصوصا زنان می‌شود.

- هـر مشـکلی راه‌حـل عقلانی و علمـی خود را دارد و پناه‌بردن به امور خرافی فقط شـما را در چرخه باطل مراجعه نزد رمالان و دعانویسـانی قرار می‌دهد که اموراتشـان را از راه باورهای خرافی مشتریان‌شان می‌گذرانند.

- اگر به معنای واقعی در جست‌وجوی گشایش در زندگی خود هسـتید پولی را که قصد دارید برای رمالی هزینـه کنید در اختیار افراد نیازمنـد جامعه قرار دهید تا از بازتاب شـادی آنان گشـایش و آرامش به سـمت زندگی‌تان سرازیر شود.

- هرگز اجازه ندهید فردی غریبه تحت هیچ عنوانی به زندگی شـخصی شـما قدم بگذارد. اعتماد نابجای قربانی سبب شد تا وی توسط کسی مورد آزار قرار بگیرد کـه کوچک‌ترین اطلاعـی از هویت واقعـی او ندارد تا سرنخی در اختیار پلیس قرار دهد.

-بـا وجود اینکـه قربانـی آزار در وضعیت روحی بدی به سـر می‌برد اما به‌دلیل محدودیت زمانی برای محکمه‌پسـندبودن مدارک و آثـار به‌جامانده از عمل مجرمانه، توصیه می‌شود اطرافیان سریع نسبت به ثبت شکایت و هدایت قربانی به پزشکی قانونی اقدام کنند.

رخداد

دستگیری زورگیران خشن بعد از دزدی میلیاردی

● **شـرق:** چهار زورگیر خشـن در شـمال تهران بلافاصله بعد از سـرقت ۱۰میلیاردی شناسایی و بازداشت شدند.

سـرهنگ جلیـل موقوفـه‌ای، رئیـس پلیس پیشـگیری تهران بزرگ اظهار کرد: بیست‌وسـوم آبان‌مـاه با وقوع یک فقره زورگیری و سـرقت ۱۸ دسـتگاه تلفن همـراه مدل آیفـون۱۳ پرومکس به‌همراه ایرپاد از سرنشـین یک پیـک موتوری با اسـتفاده از سلاح سـرد موضوع در دسـتور کار کلانتری ۱۶۳ ولنجک قرار گرفت.

وی افـزود: بنابر حساسـیت موضوع مأموران کلانتـری بـا رصدهـای اطلاعاتـی و تحقیقات میدانـی، هویت چهار سـارق ۱۸ تا ۲۷ سـاله را شناسـایی کردنـد و متوجه شـدند متهمان برای فروش گوشی‌ها به پاساژ قائم مراجعه کردند.

رئیس پلیس پیشـگیری تهـران تصریح کرد: مأموران کلانتـری پس از دریافـت این اطلاعات مهـم بلافاصله بـه محل مذکور اعزام شـدند و در یـک عملیات هماهنگ در دو نقطه از شـمال پایتخت چهار سـارق را دسـتگیر و گوشـی‌های مسروقه از متهمان را کشف کردند.

این مقام انتظامی ادامه داد: متهمان سابقه‌دار در بازجویی‌ها پس از مشـاهده شـواهد و مدارک موجود به جرم خود مبنی‌بر زورگیری با اسـتفاده از سلاح سـرد به ارزش ۱۰ میلیارد ریال در شمال تهران اعتراف کردند.

دستگیری عاملان تیراندازی به شهروندان در غرب تهران

● **شرق:** رئیس پلیس پیشـگیری تهران بزرگ از دسـتگیری دو شرور مسـلح در غرب تهران که با تیراندازی نظم عمومـی را بر هم زده بودند، خبر داد. سـرهنگ جلیـل موقوفه‌ای اظهـار کرد: با وقوع تیراندازی با سـلاح ساچمه‌زنی در درگیری هشت شرور و مجروح‌شدن دو شهروند رهگذر از ناحیه کمر موضوع رسـیدگی به پرونده در دستور کار مأموران کلانتری ۱۱۹ مهرآباد قرار گرفت. وی افزود: تیم عملیات کلانتری مهرآباد در تحقیقات ابتدایی متوجه شـدند درگیری بـه دلیل اختلاف بیـن دو گـروه خلافکار اسـت و نفـرات بعد از تیراندازی بلافاصله با دو خودروی پراید و پژو ۲۰۶ فاقـد پلاک از محل متواری شـدند. رئیس پلیس پیشـگیری تهـران تصریح کرد: بنا بر حساسـیت موضـوع مأمـوران کلانتـری ۱۱۹ بـا رصدهای اطلاعاتی و تحقیقـات میدانی هویت این افراد را شناسایی کردند و این اطلاعات را در اختیار تمامی واحدهای گشت در تهران قرار دادند.

این مقـام انتظامی گفـت: تحقیقـات ادامه داشـت تا اینکه مأموران کلانتری ۱۱۸ سـتارخان یکی از متهمان را در غرب تهران شناسـایی و در یک عملیات بازداشـت کردند. متهـم در هنگام دسـتگیری با استفاده از سلاح سـرد به مأموران حمله‌ور شـد که توسـط مأموران مهار و نفر دوم هـم در عملیـات غافلگیرانـه در مخفیگاه خود دسـتگیر شـد. وی افزود: متهمان پس از انتقال به کلانتری در بازجویی‌های فنی صراحتا به جرم خود مبنی‌بر درگیری و تیراندازی اعتراف کردند.

سـرهنگ موقوفه‌ای خاطرنشـان کرد: پرونده متهمـان برای سـیر مراحـل قانونی بـه مرجع قضائی معرفی شـد و تلاش‌ها برای دسـتگیری دیگر متهمان ادامه دارد.

جدول ۴۰۸۹ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- ضمیر سوم‌شـخص- ابر آسمان- شخص دقیق و باریک‌بیـن ۲- تابلویـی زیبـا اثـر ادوار مانه، نقاش فرانسـوی- بالابـر ماشـین ۳- نوعی سـیب‌زمینی- افسـرده- پنهان ۴- از به‌هم‌پیوستن جویبارها تشکیل می‌شـود- پیشـین- گناهکار ۵- انجمـن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی- جامه آستین کوتاه- درجه حرارت ۶- اندیشـیدن- بهـره و نصیب- ضد هـم بودن ۷- دوسـتی- نام چند تن از پادشـاهان فرانسه بود- نامی دخترانه ۸- رام‌نشده!- تن‌پوش- شماره- بوی رطوبت ۹- درخت سدر- هوش و اسـتعداد سرشار- ضروری ۱۰- دسـتوری نظامـی- فوق- سـخت و محکم ۱۱- جرقـه آتـش- فوت‌وفن- زنی کـه تـازه زایمان‌کرده ۱۲- بی‌نظیـر- بوی خوش- پایتخت سلسـله علویان ۱۳- شیپور جنگی- صبر و شکیبایی- در کمین نشسته ۱۴- سوسن زرد- نمایش‌نامه‌ای نوشته محمد چرمشیر ۱۵- نام دیگر طوفـان دریایی که از مخاطرات طبیعی است- هیزم- خشکی

عمودی:

۱- پادشاه مقتدر که بر سرزمین‌های وسیعی سلطنت می‌کـرد- نام قدیـم ایلام ۲- ورزش رزمـی چینی- از خود گذشته- امیدواری ۳- اتحادیه صنفی- دعای بد ۴- از نسـل امام علی(ع) و حضـرت فاطمه(س)- از طوایف کرد ایران- اهل کاشـان ۵- آنچه وجود واقعی دارد- رجـوع- مخفف آکبنـد ۶- ویتامین محلول در چربی- دانه خوراکی مقوی- کهن‌ترین قسـمت اوستا ۷- شـکاک- گیاهی علفی از خانواده نعناع- اندوه ۸- شیوع یک بیماری که قابلیت سرایت دارد- دستگاه تعیین جهت وزش باد ۹- لوس- ویتامین A- کشوری قدیمی در بین‌النهریـن ۱۰- مخزن مواد گازی- دکان- ضمیر مؤنث عربی ۱۱- خط‌کش مهندسی- هنرپیشه مرد- تمام‌کردن ۱۲- تنگه حیاتی خاورمیانه- اغما- از اجزای درخت ۱۳- مـاه بهاری- نام چند تن از پادشـاهان انگلیس بود ۱۴- مدفن علامه امینی- واسـطه- تصویب‌شده ۱۵- بازیگر رزمی‌کار- به‌طور همیشگی

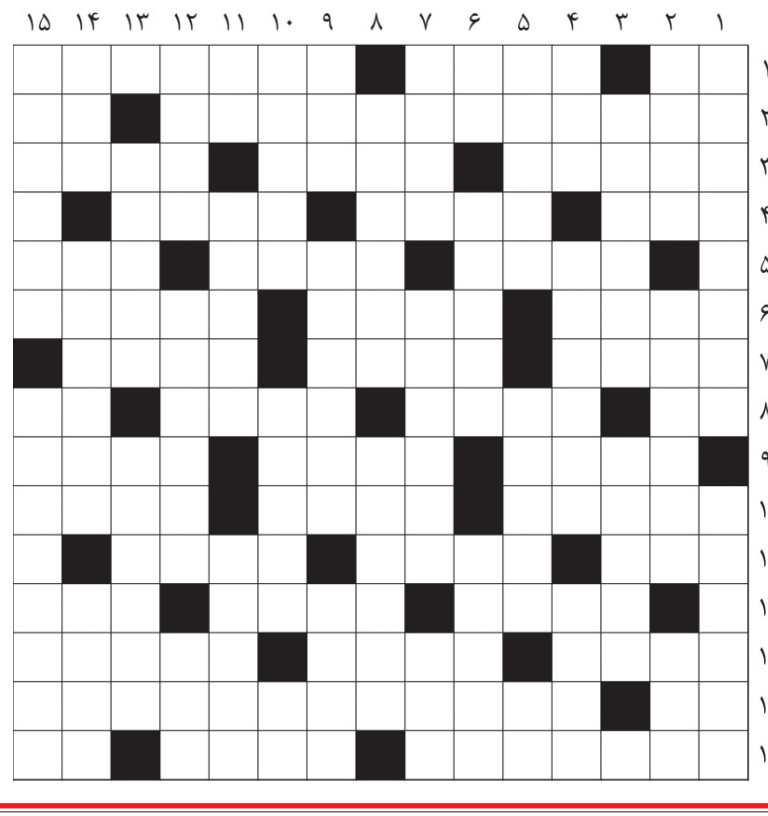

حل سودوکو سخت

۴	۸	۹	۳	۱	۲	۵	۶	۷
۶	۲	۷	۵	۹	۴	۸	۳	۱
۱	۳	۵	۸	۷	۶	۴	۹	۲
۳	۵	۲	۶	۴	۸	۱	۷	۹
۷	۹	۴	۱	۲	۳	۶	۸	۵
۸	۱	۶	۷	۵	۹	۳	۲	۴
۹	۴	۸	۲	۶	۵	۷	۱	۳
۲	۶	۱	۴	۳	۷	۹	۵	۸
۵	۷	۳	۹	۸	۱	۲	۴	۶

حل سودوکو ۳۰۸۴

۵	۴	۲	۶	۸	۱	۳	۹	۷
۹	۸	۱	۴	۳	۷	۵	۲	۶
۳	۶	۷	۹	۲	۵	۱	۸	۴
۷	۲	۴	۱	۵	۹	۸	۶	۳
۱	۳	۹	۸	۶	۲	۴	۷	۵
۶	۵	۸	۷	۴	۳	۹	۱	۲
۲	۱	۵	۳	۷	۸	۶	۴	۹
۴	۹	۳	۲	۱	۶	۷	۵	۸
۸	۷	۶	۵	۹	۴	۲	۳	۱

جدول ۴۰۸۸

سودوکو سخت ۳۰۸۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۱	۷				۶		
				۹			۲	
			۱			۷	۴	۵
۱					۸	۹	۶	
				۲				
	۷	۴	۳					۱
۷	۴	۵			۶			
	۶			۵				
		۹				۵	۷	

سودوکو ساده ۳۰۸۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۴				۱	
۷	۱	۵						۹
۴			۷		۹	۵		
۲		۴	۸	۹		۳		
				۳				
		۶		۷	۲	۸		۱
		۹	۲		۷			۳
۶						۲	۵	۴
	۳				۵			